

شکوفایی و پذیرش اجتماعی در جامعه ایران (بخش دوم)

سیدجواد حسینی

در ادامه وضعیت سلامت اجتماعی در جامعه ایران پس از بررسی شاخص انطباق‌پذیری اجتماعی به شاخص دوم سلامت اجتماعی یعنی شکوفایی اجتماعی خواهیم پرداخت. شکوفایی اجتماعی را به احساسی تعریف می‌کنند که افراد جامعه نسبت به پیشرفت و حرکت رو به جلوی جامعه دارند. از حیث سلامت روان هم گفته می‌شود سه عامل دوست داشتن و مورد دوست داشته شدن واقع شدن، پذیرفتن و پذیرفته شدن و احساس حرکت به سمت هدف، مهم‌ترین عوامل اثرگذار در سلامت روان هستند. در سلامت اجتماعی هم احساس و درک افراد جامعه نسبت به حرکت رو به جلوی جامعه از اهمیت برخوردار است. پیمایش ملی سال ۱۳۹۷ در این خصوص یافته‌های خوبی را در جامعه ایران نشان می‌دهد. مردم ایران در پاسخ به این سوال که ارزیابی شما از وضعیت رفاه در آینده چیست؟ ۷۷ درصد وضع آینده را از حیث رفاه بدتر یا در حالت استمرار وضع موجود قلمداد کرده‌اند و تنها ۲۳ درصد بر این باورند که وضعیت رفاه در آینده بهتر خواهد شد. پژوهش‌نگارنده درخصوص دانشجویان دانشگاه آزاد هم شاخص شکوفایی اجتماعی در دانشجویان مورد مطالعه را با نمره 17/3 از ۵ نشان می‌دهد که از حد متوسط بالاتر است و یکی از علل آن امیدواری است که در انتخابات ۱۳۹۲ در جوانان و جامعه شکل گرفت. موج چهارم پیمایش ملی ارزشها و نگرش‌های ایرانیان که در سال ۱۴۰۲ منتشر شد، نشان می‌دهد ۹۲ درصد ایرانیان از اوضاع و احوال موجود ناراضی‌اند. همچنین در حوزه کودکان آسیب‌پذیر مطالعه خانم مرادی و همکاران نشان می‌دهد وضعیت شکوفایی اجتماعی کودکان در این شاخص نمره ۳ از 10/9 نمره معیار را کسب کرده‌اند که از وضعیت وخیم این دسته از کودکان در حوزه شاخص شکوفایی اجتماعی حکایت می‌کند. شکوفایی اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های سلامت اجتماعی زمانی تحقق می‌پذیرد که کودکان احساس کنند جامعه و محیط پیرامون‌شان به طور مدام در حال تغییرات مثبت و رو به رشد است. آنها باید این احساس را داشته باشند که جامعه برای آنان مفید و پر بارده است. آنها باید این تصور را داشته باشند که جامعه و

دنیا را مکان مفید و مطلوب برای زندگی تلقی کنند. حال آنکه به نظر می‌رسد شوربختانه نه نظام سیاسی و نه نظامات فرهنگی و آموزشی در تولید و بازتولید چنین احساسی از کامیابی کافی برخوردار نیستند. مادامی که شکوفایی اجتماعی مسیر بهبود نیابد، امکان بسیج جامعه برای فعالیت توأم با نشاط در مسیر توسعه فراهم نمی‌شود.

سومین شاخص سلامت اجتماعی، پذیرش اجتماعی است. براساس این شاخص، افراد جامعه باید احساس کنند در جامعه پذیرفته می‌شوند، همان‌طور که دانشجویان پرستاری- پزشکی یا دانشجو-معلمان دانشگاه فرهنگیان در مراکز خاص دانشگاهی تحصیل می‌کنند و در طول دوره تحصیل تلاش می‌شود ایشان هویت شغلی و حرفه‌ای خود را بپذیرند یا شهروندان از سوی نظام سیاسی پذیرش شوند یا در حوزه حقوق کودک از شهر دوستدار کودک سخن به میان می‌آید. همه ناظر بر پذیرش افراد در جامعه است. درخصوص کودکان جامعه نیز این سوالات اساسی مطرح می‌شود که جامعه به چه مقدار محیط را برای کودک مناسب‌سازی می‌کند؟ خیابان‌ها، پارک‌ها، سینماها، بیمارستان‌ها، آبخوری‌ها و وسایل نقلیه عمومی به چه میزان برای کودکان مناسب‌سازی شده‌اند؟ از همه مهم‌تر نظام خانواده و آموزش و پرورش تا چه حد کودکی کودکان را آن‌گونه که شایسته دوره کودکی است، پذیرفته و به ایشان خدمات ارائه می‌دهد. کودکان براساس شاخص پذیرش اجتماعی باید احساس کنند افراد جامعه قابل اعتمادند، مهربانند و با فرهنگ جامعه و مردم احساس خویشاوندی دارند و با آنها حس بیگانگی نمی‌کنند، کودکان باید این احساس را داشته باشند که مردم خود محور و متقلب نیستند.

اگر وضعیت کودکان از حیث آموزش و پرورش با شاخص پذیرش اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد، باید به این نکته مهم اشاره کنیم که جهان و عالم موجود به دو عالم درونی و بیرونی قابل تقسیم است. عالم بیرون که مملو از استعداد، ظرفیت‌ها و امکانات است، اما خود به خود هیچ حرکت رو به رشدی نخواهد داشت و ظرفیت‌های بی‌شمار آن نهفته و بالقوه است، اما عالم درون است که اگر به حرکت درآید باعث می‌شود ظرفیت‌های عالم بیرون از قوه به فعل درآید، اما عالم درون از خود از دو ظرفیت شناختی و عاطفی برخوردار است. در بخش شناختی کودکان از طریق حواس پنجگانه به شناخت سطحی و علمی می‌رسند و در این مسیر حواس پنجگانه احساس ادراک و حافظه سه ظرفیتی است که مددکار آنهاست و ظرفیت عاطفی هم از مجموعه عواطف و هیجانات تشکیل شده است. ندهرم؛ پدر تسلط مغزی و ظرفیت‌های درون کودکان وقتی چنین اتفاق ناگواری در آموزش و پرورش محقق شود، دو حادثه رنج‌آور رخ می‌دهد؛ اول مغز بچه‌ها کوچک و کوچک‌تر می‌شود. دوم هویت کودکان پذیرفته نمی‌شود، تسخیر می‌شود و مورد تجاوز قرار می‌گیرد. ما به

نظام آموزشی نیاز داریم که دروسی را در برنامه درس ملی بگنجانند که بیشتر جنبه انشایی و جوشش از درون کودکان را سبب شود نه املايي و ديکته‌گونه که حافظه محور و اطلاعات از بیرون به درون ریخته می‌شود. آموزش و پرورش ما باید شخصیت و هویت کودکی را بپذیرد تا آموزش و پرورشی مبتنی بر تفاوت‌های فردی، خصوصی شده را شکل دهد و آموزش و پرورش باغستانی را سبب شود که گل‌ها و گونه‌های مختلف آن متناسب با ظرفیت و استعدادشان رشد کنند نه آموزش و پرورش شمشادى که همه یکدست شده و یکسان بار آیند و تفاوت‌های فردی امکان بروز و ظهور پیدا نکنند. پذیرش اجتماعی به عنوان شاخص مهم سلامت اجتماعی، ابعاد گوناگون زندگی را در بر می‌گیرد. تحقیقات متعدد اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی خصوصاً عود مجدد بزهکاران حوزه اعتیاد به مواد مخدر نشان می‌دهد که عود مجدد در برخی موارد بالای ۹۰ درصد است، از این منظر به نظریه برجسبزی می‌توان اشاره کرد که به دلیل برجسبزی به بزهکاران پس از ترك بزه، روند پذیرش اجتماعی ایشان به مخاطره می‌افتد و عود مجدد در بزهکاری رخ می‌دهد.

پژوهشی که روی دانشجویان دانشگاه آزاد توسط نگارنده انجام شد، شاخص پذیرش اجتماعی را 79/1 از ۵ نمره نشان داد که حکایت از پذیرش اجتماعی دانشجویان در سطحی بسیار پایین می‌دهد، به عبارتی دانشجویان از حیث پذیرش اجتماعی در جامعه احساس می‌کنند نظام سیاسی-اجتماعی ایشان را به شکل مطلوب نپذیرفته و وضع نامطلوبی در جامعه دارند.

همچنین پژوهش خانم مرادی و همکاران در حوزه سلامت اجتماعی با تاکید بر شاخص پذیرش اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر شهر تهران نشان داد این کودکان نمره ۱۶ از ۴۷ را به دست آورده‌اند که حاکی از وضعیت نامطلوب شاخص پذیرش اجتماعی کودکان به عنوان یکی از ابعاد سلامت اجتماعی است.